

پیمان بغداد*

** مسعود مرادی

*** سمیه خانی پور

چکیده

پس از جنگ جهانی دوم، جهان به دو قطب متضاد به رهبری آمریکا و شوروی تقسیم شده بود. استراتژی آمریکا جلوگیری از گسترش نفوذ کمونیسم در جهان به ویژه در منطقه خاورمیانه بود. بدین منظور سیاست اتحاد منطقه‌ای را از طریق پیمان‌های دفاعی سیاسی، اقتصادی در پیش گرفت و پیمان ناتو و سیتو و سپس بغداد (۱۹۵۵م.) را به عنوان حلقه امنیتی علیه شوروی به وجود آورد. در پیمان بغداد علاوه بر اهداف سیاسی و نظامی اهداف اقتصادی نیز مدنظر قرار داشت. پیمان بغداد با کودتای عبدالکریم قاسم (۱۹۵۸م.) و خروج عراق از آن تضعیف گردید و مقرر آن به آنکارا انتقال داده شد و به سازمان پیمان مرکزی- سنتو- تغییر نام یافت. در این مقاله روند پیدایش و تأثیرات منطقه‌ای این پیمان مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. واژگان کلیدی: ایران، آمریکا، شوروی، خاورمیانه، کمونیسم، پیمان بغداد.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۸/۲۲

** استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

*** کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۱۵

E-mail: Dr_mmoradi@yahoo.com

E-mail: s.kh61.p@gmail.com

مقدمه

پیمان بغداد سازمان دفاعی دسته‌جمعی کشورهای ایران، ترکیه، عراق، پاکستان و انگلستان بود که امنیت مشترک منطقه را در مقابله با گسترش نفوذ کمونیسم در خاورمیانه برعهده داشت. این پیمان زاینده شرایط سیاسی - نظامی پس از جنگ جهانی دوم بود که با حمایت آمریکا به منظور مقابله با اتحاد جماهیر شوروی به وجود آمد. نظام بین‌الملل در دوران پس از جنگ که بر اساس ساختار دوقطبی استوار شده بود نقش عمده‌ای در تحولات سیاسی، نظامی و اقتصادی خاورمیانه ایفاء می‌کرد. آمریکا و شوروی به منظور گسترش نفوذ خود در این منطقه به رقابت پرداختند. در این زمان کانون سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی آمریکا در ممانعت از توسعه نظامی و ایدئولوژیکی شوروی، ایجاد اتحادیه‌های دفاعی منطقه‌ای بود؛ به طوری که پیمان بغداد نشأت گرفته از این شرایط جهانی بود.

پیمان بغداد

پس از جنگ جهانی دوم، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی - ناتو - در ۴ آوریل ۱۹۴۹م. در بروکسل امضاء شد. (شارل موزل، پاکتو، ۲۰۸:۱۳۷۷) برای حلقه مرکزی این کمربند، طرح دفاع دسته‌جمعی خاورمیانه از مصر پیشنهاد شد. اما پس از جنگ اعراب و رژیم اسرائیل (سال ۱۳۳۷ش. / ۱۹۴۸م.) وجهه غرب در میان ملت‌های عرب، به دلیل حمایت از رژیم اسرائیل، به سختی لطمه دید و پایگاه‌های نظامی و قراردادهای دوجانبه

پیمان بغداد ۱۴۱

انگلستان به ویژه در مصر و عراق در معرض حمله شدید محافل مختلف این کشورها قرار گرفت. در این بین، با توجه به فرارسیدن دوران انقضای این قراردادها دولت انگلستان درصدد یافتن چارچوب جدیدی برای حفظ منافع خود بود؛ لذا با جدیت از طرح امنیتی آمریکا در خاورمیانه حمایت می‌کرد. در این میان دعوت از دو دولت از اعضای اتحادیه عرب برای پیوستن به یک پیمان دفاعی با غرب، با سردی مواجه شد و مصر در سال (۱۹۵۱م.) پیمان مذکور را شیوه انگلستان در استیلاي آن کشور دانست. دولت شوروی یادداشت‌های شدیدالحنی برای دولت‌های غربی و هشدارهایی برای دولت‌های خاورمیانه فرستاد و آنان را از مشارکت در دسته‌بندی‌های نظامی ضد شوروی برحذر داشت. بالاخره قتل ملک‌عبدالله پادشاه ماوراء اردن (۱۹۵۱م.) و سیاست ضد انگلیسی مصدق در ایران (۱۹۵۳-۱۹۵۱م.) و کودتای افسران آزاد در مصر (۱۹۵۲م.) طرح غرب را با شکست مواجه ساخت و تا چند سال بعد که از تأسیس پیمان بغداد گفتگو به میان آمد، دیگر در این زمینه صحبتی نشد. (نوری، ۱۳۸۶: ۲)

بدین ترتیب واشنگتن، با کنار گذاشتن طرح سازمان دفاعی خاورمیانه، به طور جدی به فکر صف‌آرایی در امتداد مرزهای جنوبی اتحاد شوروی افتاد و ترکیه، عراق، پاکستان و ایران مورد توجه واقع شدند. (گود، ۱۳۸۲: ۲۰۲) ایران نقشی کلیدی در استراتژی فعال نظامی دولت آیزنهاور - رئیس‌جمهور وقت آمریکا - بازی کرد. منابع نفتی ایران و دیگر کشورهای خلیج فارس برای بازسازی اروپای غربی بسیار پراهمیت تلقی شد. گذشته از این، ایران به عنوان پایگاهی برای هدایت عملیات گردآوری اطلاعات علیه شوروی

۱۴۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

جاسوسی آن سوی مرز و همچنین مراقبت الکترونیک تجهیزات آزمون موشک شوروی در آسیای مرکزی ارزشمند بود. (گازیورسکی، ۱۳۷۳: ۲۱۶-۲۱۵)

پس از ناکامی آمریکا در ایجاد پیمان دفاعی مشترک در ۱۳۳۲ ش. / ۱۹۵۴ م، این کشور و انگلستان توجه خود را به ترکیه و عراق معطوف کردند. این در حالی بود که عراق و مصر به توافقی دست یافتند که بر پایه آن متعهد می شدند وارد پیمان‌های دیگر نشوند و اتحادیه‌ای نظامی از کشورهای عربی به رهبری قاهره و بغداد پدید آورند. پیش‌نویس این پیمان نیز تهیه شد و نوری‌سعید - نخست وزیر وقت عراق - در ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴ م. به قاهره رفت. وی پیش از ترک بغداد اعلام کرد که پس از مصر، به لندن خواهد رفت تا به بررسی مقدمات انعقاد پیمانی چندجانبه با انگلیس، ترکیه و پاکستان بپردازد. انگلستان با نظر نوری‌سعید به مخالفت برخاست. با موافقت آمریکا، یک پیمان نظامی میان ترکیه و پاکستان منعقد شد. در اوایل سال ۱۹۵۵ م. عدنان مندرس - نخست وزیر ترکیه - به عراق رفت و خواهان انعقاد پیمانی مشابه با این کشور شد. دولت عراق به اعتبار اینکه تفاهم با ترکیه می‌تواند منافع متعددی برای حفظ امنیت مرزهای عراق و پشتیبانی از این کشور در مسأله فلسطین داشته باشد، پیشنهاد ترکیه را پذیرفت. بدین ترتیب در ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ م. پیمان همکاری‌های دفاعی و امنیتی در ۸ ماده میان دو کشور ترکیه و عراق در بغداد به امضاء رسید. (بوسنوی - برمکیان، ۱۳۸۳: ۳۵۸)

بر اساس پیمان بغداد، کشورهای عضو به منظور امنیت و دفاع از خود، مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد با هم همکاری می‌کردند و متعهد می‌شدند که از هرگونه دخالت

پیمان بغداد ۱۴۳

در امور داخلی یکدیگر خودداری کنند. همچنین کشورهای دیگر نیز می‌توانستند به عضویت پیمان درآیند و همین که چهار دولت به عضویت این پیمان درمی‌آمد سازمان و تشکیلات پیمان بر اساس شورایی متشکل از وزرای این دول تنظیم می‌شد. مدت انقضای پیمان تا پنج سال و برای پنج سال دیگر قابل تجدید بود. (آرشیو اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ۳۶۹ و ۳۶۸-۷۳۲-۱۴۵-۱۹۵۵ م.) این پیمان ادامه پیمان سعدآباد^۱ بود. در پیمان سعدآباد، اصل عدم تجاوز به خاک یکدیگر مد نظر قرار گرفته بود، اما در پیمان بغداد، همکاری در زمینه‌های نظامی و اقتصادی پیش‌بینی شده بود. (میرفندرسکی ۱۳۸۲: ۸۶/ علی‌بابائی، ۱۳۶۹: ۱۵)

بر اساس ماده ۵ پیمان بغداد، کشورهای دیگر نیز می‌توانستند به عضویت این پیمان درآیند؛ چنانکه انگلستان، پاکستان و ایران به پیمان بغداد پیوستند. آمریکا به عنوان عضو ناظر پیمان درآمد و آن را به صورت پیمانی منطقه‌ای درآورد. (احمدی، ۱۳۸۵: ۳۶) عدم عضویت دولت آمریکا در پیمان بغداد به چند دلیل صورت گرفت: نخست برای اینکه کشورهای عرب خاورمیانه به ویژه مصر را به دلیل درگیری عمیق آن کشور در کشمکش کشورهای عربی با رژیم اسرائیل از خود نرنجانند. دوم برای اجتناب از برخورد مستقیم با شوروی - و در واقع جلوگیری از تشدید جنگ تبلیغاتی - سوم برای اینکه خاورمیانه هنوز شکارگاه اختصاصی انگلستان بود، این کشور مایل بود سرپرستی پیمان

۱- پیمان دفاعی منطقه‌ای در سال ۱۳۱۶ ش. بین چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و افغانستان با حمایت انگلستان بود. این پیمان که به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در خاورمیانه پس از جنگ جهانی اول به وجود آمده بود، سیاست اتحادیه‌های دفاعی منطقه‌ای را در پیش گرفت.

۱۴۴ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

بغداد را خود بر عهده داشته باشد؛ لذا دولت آمریکا فقط به شرکت در کمیته‌های نظامی و ضد خرابکاری پیمان اکتفا می‌کرد. (عاقلی، ۱۳۷۰: ۸۳۶/اختریان، ۱۳۷۵: ۲۱/گازپورسکی، ۱۳۷۳: ۳۶۴)

نخستین جلسه این پیمان در بغداد، در ۲۱ نوامبر ۱۹۵۵م. با شرکت نخست وزیران ایران، ترکیه، عراق، پاکستان و انگلستان و وزیر امور خارجه آمریکا تشکیل شد و از آن پس به پیمان بغداد مشهور گردید. (کامران مقدم، ۲۵۳۶: ۳۲۷)

علل و چگونگی انعقاد پیمان بغداد

برخی، مذاکرات سیاسی میان زمامداران عراق و ترکیه برای همکاری نظامی و به قصد دفاع در برابر تجاوز خارجی را نخستین گام در ایجاد این پیمان می‌دانند؛ دیگران فکر ایجاد این پیمان را از جانب انگلستان دانسته‌اند که به عراق و ترکیه القا کرده است. گروهی نیز ابتکار پیمان را از آن آمریکا و به صورت ویژه از جانب جان فاستردالس - وزیر خارجه دولت جمهوری خواه - می‌دانند. (آذرنگ، ۱۳۷۴: ۲۲۴)

لنچافسکی، نوری سعید نخست وزیر وقت عراق و عدنان مندرس نخست وزیر وقت ترکیه را بنیان اصلی این پیمان می‌داند. مندرس با الحاق عراق و ایران به پیمان بغداد خط دفاعی مهمی را که در مرز روسیه از بسفر تا کوه‌های مرتفع کشمیر کشیده است، به وجود آورد و تردیدی نیست که این بساط برای امنیت ترکیه کمک مؤثری بود.

(لنچافسکی، ۱۳۳۷: ۱۶۵)

پیمان بغداد ۱۴۵

جلال بایار رئیس جمهور ترکیه موافقت آمریکا را با انعقاد پیمان نظامی میان ترکیه و پاکستان جلب کرد و در پی آن، عدنان مندرس به پاکستان سفر کرد و کلیات پیمان نظامی این کشور، با پاکستان با وجود مخالفت‌های شوروی و هند به تصویب دو کشور رسید. (فونتن، ۱۳۶۹: ۱۸۲) در اردیبهشت ۱۳۳۴ ش. / ۱۹۵۵ م. ترکیه برای امضای «پیمان بغداد» و به منظور گسترش پیوندهای فرهنگی و مطبوعاتی بین ایران و ترکیه، از عده‌ای روزنامه‌نگار و شاعر و نویسنده ایرانی دعوت کرد تا به عنوان مهمان رسمی دولت ترکیه به مدت ۱۵ روز از این کشور دیدن کنند. (تفضلی، ابی‌تا: ۲۷۴)

بنابراین، پیمان بغداد یک اتحاد سیاسی - اقتصادی بود که با مساعدت جان فاستردالس و انگلستان پدید آمد. دالس معتقد بود که کشورهای آفریقای و آسیایی باید در پیمان‌های دفاعی رسمی مورد حمایت غرب سازمان یابند. (بیل، ۱۳۷۱: ۱۹۶-۱۹۵) بیون رهبر حزب کارگران بریتانیا گفته بود: «اعضای کشورهای اسلامی پیمان بغداد مانند عروسک هستند» و جراید آن زمان، سخن وی را این گونه تعبیر کردند که معلوم می‌شود آقای بیون کشورهای اسلامی خاورمیانه را هم‌رقص با بریتانیا و آمریکا تصور می‌کند. (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ۴۹ - ۱۳۳۸ ش.)

بر اساس نظریه‌پردازی‌های دالس بود که آیزنهاور استراتژی «نگرش نوین» را در پیش گرفت. هدف این استراتژی، کم کردن هزینه‌های نظامی آمریکا از طریق کاهش نیروی زمینی و تقویت نیروی هوایی بود و از لحاظ خارجی، تقویت دولت‌هایی بود که اطراف اتحاد جماهیر شوروی را احاطه کرده بودند. (حسینیان، ۱۳۸۲: ۸۹-۸۸) دالس در سال

۱۴۶ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

۱۹۵۳م. به خاورمیانه سفر کرد و این موضوع را با رهبران منطقه در میان نهاد. در آوریل ۱۹۵۴م. ترکیه و پاکستان یک پیمان دوستی و همکاری امضاء کردند. لیکن هم‌پیمانی جدید در فوریه ۱۹۵۵م. هنگامی که عراق و ترکیه موافقت‌نامه‌ای را امضاء کردند، پدید آمد. (گازبوسکی، ۱۳۷۳: ۲۶۴-۲۶۳)

بدین ترتیب پیمان بغداد تحت تأثیر سیاست‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا به منظور مقابله با گسترش و نفوذ کمونیسم و توسعه‌طلبی‌های همه‌جانبه شوروی در یکی از عمده‌ترین مناطق حیاتی جهان، یعنی خاورمیانه ایجاد گردیده است. در این میان، تشریک مساعی دولت انگلستان با آمریکا به منظور حفظ منافع خود در این منطقه و هم‌سویی برخی از کشورهای خاورمیانه نظیر ایران، عراق، ترکیه و پاکستان برای دستیابی به اهداف و انگیزه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی خود نقش مؤثری در شکل‌گیری پیمان بغداد داشت.

اهداف و انگیزه‌های کشورهای عضو پیمان بغداد از پیوستن به آن

به طور کلی هر یک از کشورهای عضو پیمان بغداد از پیوستن به آن، اهداف و انگیزه‌های خاصی را دنبال می‌کردند. چنانکه ایران به امید دریافت کمک‌های بیشتر از آمریکا برای بهبود وضعیت اقتصادی، نظامی و احساس خطر از جانب شوروی بدان پیوست. (درویشی سه تالانی، ۶۲-۶۱/ بوسنوی - برمکیان، ۱۳۸۳: ۳۵۸/ اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۸۶: ۲۶۹)

علاوه بر آن، عضویت ایران و وفاداری شاه به آن پیمان، معلول رقابت او با جمال

پیمان بغداد ۱۴۷

عبدالناصر و تنفر شدید از رئیس جمهور مصر بود. (سلام، ۱۳۷۵:۹) حسین علاء - نخست وزیر ایران - در ۹ / ۱۱ / ۱۳۳۵ ش. طی اظهاراتی به مخبر روزنامه ینی صباح در استانبول علت پیوستن ایران را به پیمان بغداد این گونه بیان می کند: «امروز وضعیت در خاورمیانه خیلی وخیم است و دکترین آیزنهاور با خرسندی مورد قبول و باعث اطمینان خاطر ما گشته است. ما آمال تجاوزکارانه نداریم و منظور ما تأمین صلح است، حاضریم هر کمک و مساعدتی را در این راه که مفید باشد، قبول کنیم. امیدوارم آمریکا به پیمان بغداد ملحق گردد. الحاق آن موجبات تقویت پیمان مزبور را فراهم خواهد ساخت؛ زیرا آمریکا نسبت به انگلستان بیشتر مورد توجه دول عربی است. الحاق مصر و سوریه و لبنان به پیمان بغداد، فعلاً مقدور نیست، اما امید است با توجه به اینکه این پیمان تنها جنبه دفاعی دارد، لذا جهت خودمختاری و استقلال و امنیت خود به آن ملحق خواهند گردید. با وجود این، بی اندازه امیدواریم که لبنان و به خصوص عربستان سعودی به آن ملحق گردد. مسافرت [پادشاه عربستان] به ممالک متحده آمریکا و بازدید شاه ایران در ماه مارس و مسافرت وی به شهر ریاض دلیل بر این مدعی است. وی در طی این مسافرت، راجع به منظور پیمان توضیحاتی خواهند داد و خواهند توانست جهت شرکت عربستان در آن، ملک مسعود را قانع کند». (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ۵۳۹۴ - ۱۳۳۵ ش.)

بر این اساس، هدف دولت ایران از پیوستن به پیمان بغداد تأمین امنیت و صلح بین خود و کشورهای همسایه و ایجاد اتحادیه‌ای از دول خاورمیانه به ویژه کشورهای عربی آن منطقه برای دستیابی به اهداف همه‌جانبه خود با حمایت آمریکا بود.

۱۴۸ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

لیکن احمد آرامش در تبیین اجمالی هر کدام از کشورهای عضو پیمان بغداد از عضویت در آن، می‌گوید: «...پاکستان با افغانستان بر سر پشتونستان اختلاف دارد و در مسأله کشمیر، نیازمند پشتیبانی انگلستان بود. علاوه بر آن، دولت پاکستان عضو مجمع کشورهای مشترک‌المنافع بریتانیا به حساب می‌آمد. دولت ترکیه نیز بدین شرط به پیمان بغداد پیوست که انگلیسی‌ها در موضوع قبرس، بدون جلب نظر و حصول موافقت آن دولت اقدامی ننمایند. از طرفی ترک‌ها پس از جنگ بین‌المللی دوم، کمک‌های مالی و نظامی فراوانی از متفقین و مخصوصاً از آمریکایی‌ها دریافت کرده بودند و ماهیت این کمک‌ها ایجاب می‌کرد که در پیمان‌های نظامی ضد شوروی عضویت یابند. دولت عراق - به رهبری نوری‌سعید پاشا- با وجود متابعتی که از سیاست انگلستان می‌کرد، خواهان امتیازاتی از جمله دریافت یک دستگاه راکتور اتمی از انگلستان بود». (آرامش، ۱۳۶۹: ۱۹۵-۱۹۴)

پیامدهای پیمان بغداد بر منطقه و ایران

پیمان بغداد بر زندگی سیاسی کشورهای عرب تأثیرات ناگواری گذاشت. در صفوف آنها رخنه به وجود آورد و صف‌آرایی‌ها و جبهه‌بندی‌ها را شدت بخشید. مصر و سوریه از جمله کشورهای عربی بودند که به شدت با عراق به مخالفت برخاستند و سیاست خارجی خود را به کشورهای متمایل به شوروی و هم‌پیمان با آن نزدیک‌تر کردند. دامنه جنگ سرد به خاورمیانه و به درون همه کشورهای عرب کشیده شد. حضور انگلستان و آمریکا منجر به بروز شرایطی شد که احزاب و گروه‌های اسلامی به موضع‌گیری در برابر

پیمان بغداد ۱۴۹

آنان دست زدند. این در حالی بود که رژیم اسرائیل مورد حمایت غرب بود و واکنش کشورهای عرب را علیه آنان به دنبال داشت. (آذرنگ، ۱۳۷۴: ۲۲۸)

همچنین پیوستن ایران به پیمان بغداد، نارضایتی گروه‌هایی چون فداییان اسلام به رهبری سید مجتبی نواب صفوی را موجب شد؛ به ویژه اینکه ایران به عنوان پایگاه نظامی آمریکا در منطقه مطرح می‌شد. لذا فداییان اسلام با صدور اعلامیه‌ای و با ترور نخست وزیر، مخالفت خود را با این پیمان اعلام نمودند. (حسینیان، ۱۳۸۲: ۳۴۱-۳۴۰/بکاری ۱۳۷۲: ۱۵۴-۱۵۳) فداییان اسلام پیش از شرکت در نخستین اجلاس پیمان بغداد، حسین علاء را مورد سوء قصد قرار دادند و او را از ناحیه سر مجروح کردند. (اختریان، ۱۳۷۵: ۲۰) علاء از این ترور، جان سالم به در برد و با سر باندپیچی شده در اجلاس بغداد شرکت کرد. پس از این ترور، در مدت کوتاهی اغلب اعضای اصلی این گروه، دستگیر و در ۲۷ دی‌ماه ۱۳۳۴ ش. نواب صفوی و سه تن از یارانش تیرباران شدند. (بی‌نام، ۱۳۸۴: ۱۶۰)

علاوه بر آن، پیوستن ایران به پیمان بغداد، منجر به تیرگی روابط ایران و شوروی گردید. در سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۵۴ م. دولت شوروی نگران عضویت احتمالی ایران به پیمان بغداد بود. این نگرانی را وام‌های کلانی که ایران از آمریکا دریافت کرده بود و نیز سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی و انگلیسی تشدید کرده بود. در این میان، سیاست دولت شوروی برای جلوگیری از عضویت احتمالی ایران در پیمان بغداد به صورت انعقاد موافقت‌نامه حل مسائل مرزی و مالی با ایران (مورخ ۱۱ آذر ۱۳۳۲ ش.) نمایان شد و قرارداد تجاری دو کشور که در زمان رزم‌آرا منعقد شده بود، تمدید گردید. با این حال

۱۵۰ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

این حرکات نتوانست مانع انعقاد پیمان بغداد شود. ایران در ۱۳۳۴ ش. به پیمان بغداد پیوست. دولت شوروی در ۲۰ مهرماه ۱۳۳۴ ش. / ۱۲ اکتبر ۱۹۵۵ م. رسماً به عضویت ایران در این پیمان اعتراض کرد و در پی آن، سفر هفت موسیقی‌دان روسی را به ایران لغو نمود و از تحویل گرفتن چهل‌هزار تن برنج صادراتی ایران سرباز زد. (آوری، ۱۳۷۹: ۱۰۴ و ۶۱-۶۰)

در اعلامیه وزارت امور خارجه شوروی - که بر ضد پیمان بغداد و پیوستن ایران به آن پیمان صادر شده بود - پس از اشاره به اوضاع خاورمیانه و تلاش آمریکا و انگلیس برای کشاندن کشورهای این منطقه به دسته‌بندی‌های نظامی و افشای ماهیت استعماری آن پیمان‌ها، با بی‌بنیاد خواندن خطرات اتحاد شوروی برای صلح و امنیت جهان که از سوی امپریالیست‌ها ساخته و پرداخته شده است، به توضیح اصل اساسی سیاست خارجی شوروی پرداخت و مدعی شد که تمایل دائمی و تزلزل‌ناپذیر این دولت به صلح بین ملت‌هاست و عدم مداخله در امور داخلی و احترام به حق حاکمیت و استقلال و تمامیت ارضی سرزمین آنها و اینکه اتحاد شوروی به برقراری صلح و کاهش تشنجات بین‌المللی سخت پایبند است و در پی قطع مسابقه تسلیحاتی و تحریم سلاح‌های اتمی و هیدروژنی است. شوروی در پایان این اعلامیه مفصل، تهدید کرد که نمی‌تواند در برابر اوضاعی که در خاور نزدیک و خاورمیانه پیش آمده است، بی‌اعتنا باشد و در مقابل برپایی پایگاه‌های بلوک غرب، آن هم در اراضی کشورهای خاور نزدیک و خاورمیانه - که مستقیماً امنیت اتحاد شوروی را تهدید می‌کند - ساکت بنشیند. (احمدی

پیمان بغداد ۱۵۱

در این میان، محمدرضا پهلوی برای برطرف کردن تیرگی روابط ایران و شوروی مسعود انصاری - سیاستمدار کارگشته و آشنا به زبان و فرهنگ روسی - را به سفیر کبیری ایران در مسکو گماشت. انصاری در آذر ۱۳۳۴ ش. / دسامبر ۱۹۵۵ م. رهسپار مسکو شد. (انصاری، ۱۳۵۳: ۶۰) شاه به هیأت اعزامی خود توصیه کرد که برای میزبانان روسی خود روشن نمایند که اقدامات دفاعی ایران - در چارچوب پیمان بغداد - به هیچ وجه تهدیدی را متوجه دوستی ایران و شوروی نخواهد کرد و فقط برای تضمین دفاع ملی صورت می‌گیرد. یکی از پیامدهای این سفر، مسافرت محمد رضا پهلوی به شوروی بود. وی خود در سال ۱۳۳۵ ش. / ۱۹۵۶ م. به شوروی سفر کرد و بر سر پیمان بغداد با سران شوروی مذاکره کرد. (آوری، ۱۳۷۹: ۱۰۴ و ۶۱) با مذاکراتی که وی در مسکو به عمل آورد، امید زیادی به بهبود روابط دو کشور می‌رفت، اما این بهبود روابط که همراه با امضای قراردادهایی در زمینه ازدیاد حجم تجارت و اتصال خط راه‌آهن در کشور بود، دیری نپایید. (ازغندی، ۱۳۸۴: ۲۶۲)

در منطقه خاورمیانه، مصر به مخالفت شدید با این پیمان برخاست. عواملی چون سوء ظن ناصر به نوری سعید و محمد رضا پهلوی و نیز حمایت آمریکا و انگلیس از این پیمان ناصر را به سوی شوروی سوق داد؛ لذا وی در فراخوان اتحادیه عرب برای اجلاس فوق‌العاده‌ای که به منظور اتخاذ موضع واحد در قبال پیمان بغداد به عمل آورد، طی سخنانی گفت: «پیمان بغداد همکاری جهان عرب و کشورهای غربی را دچار اشکال جدی کرده است.» نهر و - نخست وزیر هند - در فوریه ۱۹۵۵ م. از قاهره دیدن کرد و به

۱۵۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

دلیل نگرانی از تقویت نظامی پاکستان که نسبت به کشمیر ادعای ارضی داشت، در مخالفتی آشکار با پیمان بغداد، مخالفت خود را با هر نوع اتحاد نظامی با دو قطب اعلام نمود. مصر در اجلاس تأسیس جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۵۵م. در باندونگ اندونزی شرکت کرد. جمال عبدالناصر در کنار مارشال ژوزف (یوگسلاوی)، احمد سوکارتو (اندونزی) و جواهر لعل نهرو (هند) با تأسیس جنبش عدم تعهد، مخالف جهانی خود را با پیمان بغداد اعلام کرد. (علیزاده، ۱۳۸۴: ۸۳-۷۹) پیمان بغداد منجر به نزدیکی سوریه مصر و اردن به شوروی گردید. همچنین افغانستان و هندوستان به دلیل اختلافات ارضی با پاکستان، سیاست‌های خود را به سوی شرق متمایل کردند. (آرامش، ۱۳۶۹: ۱۹۵، ۱۹۷)

به دنبال این تحولات، آمریکا از اعطای وام به مصر برای ساختن سد آسوان خودداری کرد. جمال عبدالناصر در چهارمین سالگرد انقلاب مصر در چهارم مرداد ۱۳۳۵ش/ ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۶م. کانال سوئز را ملی اعلام کرد. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۲۴۴-۲۴۳)

دولت شوروی عمداً پشتیبانی خود را از دولت مصر ابراز داشت. فرانسه و انگلیس جبهه متخاصمی را علیه این کشور تشکیل دادند، اما دولت‌های عرب از اقدامات مصر پشتیبانی کردند. اردن به موافقت‌نامه تدافعی مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۵۵م. منعقد بین دولتین مصر و سوریه ملحق گردید و این اتحادیه که در ۲۷ اکتبر با قرارداد تدافعی مصر، یمن و عربستان سعودی پیوستگی پیدا نمود و در تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۵۶م. اتحادیه نظامی بین سوریه، مصر و اردن به وجود آمد. در چنین اوضاع و احوالی رژیم اسرائیل که از ارسال کمک‌های نظامی شوروی برای کشورهای عربی نگران بود، درصدد

پیمان بغداد ۱۵۳

برآمد با دست زدن به جنگی احتیاطی، مصالح خود را تأمین نماید. (ولیان، ۱۳۴۵: ۱۷۴-
۱۷۳ و ۱۷۰)

سفیرکبیر عراق در واشنگتن بر این باور بود که اگر آمریکا به پیمان بغداد
می‌پیوست، بسیاری از حوادث نامطلوب خاورمیانه روی نمی‌داد. دولت عراق رسماً ایالات
متحده آمریکا را به الحاق کامل به پیمان بغداد دعوت کرد. (آرشیو آستان قدس رضوی ۶۸۴۳/۹
- ۱۳۳۶ ش.)

نخست‌وزیران چهار کشور ایران، پاکستان، عراق و ترکیه در روزهای ۱ و ۲ آذر
۱۳۳۵ ش. / ۲۲ و ۲۳ نوامبر ۱۹۵۶ م. در بغداد با یکدیگر ملاقات کردند و ضمن اعلام
وحدت نظر خود درباره مسائل اساسی خاورمیانه، توصیه‌های کنفرانس تهران را تنها راه
حل مسائل خاورمیانه دانستند. این نظریات، مورد حمایت دولت آمریکا قرار گرفت و در
۷ آذر اعلام داشت: «هر نوع تهدیدی علیه امنیت و استقلال سیاسی ترکیه، پاکستان
عراق و ایران را حرکتی خصمانه تلقی خواهند کرد». در اول دی‌ماه ۱۳۳۵ ش. / ۱۹۵۶ م.
آخرین سربازان انگلیسی و فرانسوی خاک مصر را تخلیه نمودند و جای خود را به
سربازان پاسدار صلح ملل متحد دادند. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۲۴۶-۲۴۵)

در سال ۱۹۵۷ م. شاه از آمریکا خواست به طور کامل به پیمان بغداد بپیوندد، اما
آمریکایی‌ها به این تقاضا ترتیب اثر نداده و همچنان عضو ناظر در پیمان بغداد باقی
ماندند. (روبین، ۱۳۶۴: ۹۰)

آیزنهاور در ۵ ژانویه ۱۹۵۷ م. لایحه‌ای را به کنگره آمریکا پیشنهاد کرد که به موجب
آن، علیه مقاصد جاه‌طلبانه شوروی در خاورمیانه از کنگره اجازه خواست به کشورها یا

۱۵۴ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

بعضی از کشورهایی از منطقه که مایل باشند، کمک اقتصادی و نظامی اعطا کند. مشروط بر اینکه کشورهای مزبور در ازای آن، اجازه استفاده از خاکشان را به نیروهای مسلح آمریکایی بدهند. کنگره در نخستین روزهای ماه مارس، این لایحه را تصویب کرد. (درویشی سه تلانی، ۱۳۷۶: ۴۶)

اعضای پیمان بغداد در پذیرفتن دکترین آیزنهاور پیشقدم شدند و آن را بهترین وسیله برای حفظ صلح در منطقه و پیشرفت اقتصادی مردم آن دانستند. (هوشنگ مهدوی ۱۳۷۵: ۲۵۱-۲۵۰ / محمدی، ۱۳۷۷: ۱۱۳) این اقدام سبب شد مصر و سوریه در اول فوریه سال ۱۹۵۸م. دست به تشکیل جمهوری متحده عربی بزنند. فاضل جمالی - نخست وزیر عراق - اعلام داشت که اتحادیه سوریه و مصر یک مسأله طبیعی و عادی تلقی نمی‌شود و با تسلط ناصر بر سوریه، کلیه راه‌های عبور نفت عراق، تحت کنترل دولت مصر قرار می‌گیرد. این صف‌بندی، موجبات ایجاد بحران شدید لبنان و انقلاب ژوئیه عراق را فراهم نمود. (ولیان، ۱۳۴۵: ۱۹۳-۱۹۱)

سرانجام پیمان بغداد

در سحرگاه ۲۳ تیرماه ۱۳۳۷ش. / ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸م. کودتایی به رهبری سرهنگ عبدالکریم قاسم و همکاری عبدالسلام عارف صورت گرفت و حکومت جمهوری اعلام شد. بر اثر این کودتا، ملک فیصل دوم - پادشاه عراق - و امیر عبدالله - دوست انگلستان و

پیمان بغداد ۱۵۵

نایب‌السلطنه سابق عراق - و نوری سعید و جمعی از شخصیت‌ها و وزراء کشته شدند.

(لیاف، ۱۳۵۵: ۱۱۹)

از میان چهار کشور عربی سوریه، مصر، الجزایر و عراق که در آنها تغییرات اساسی به وجود آمد، عراق آخرین آنها بود که چنین تغییرات سیاسی‌ای در آن پدیدار شد. حوادثی که تحولات مزبور را به وجود آورد، در حوادث جنگ جهانی دوم و ناسیونالیسم عرب که عکس‌العملی در قبال عثمانی بود، ریشه داشت. رهبران عرب به جای توجه به توسعه اقتصادی و اجتماعی، درگیر مسائل سیاسی شده بودند. پس از جنگ جهانی دوم ناسیونالیسم عرب به صورت جنبشی انقلابی درآمد و تحت تأثیر ایدئولوژی‌های رادیکال قرار گرفت. نسل جدید، خواهان دگرگونی‌های انقلابی بودند؛ زیرا نسل قدیم در نوسازی جامعه - که نیاز مبرمی به آن احساس می‌شد - با شکست مواجه شده بودند.

جنبش پان‌عربیسم با تشکیل جمهوری متحد عربی در سال ۱۳۳۷ ش. به درجه بالایی از رشد خود رسید. رهبران عراق یک طرح متقابل وحدت^۱ ارائه دادند که مخالف با تمایلات پان‌عربیسم تلقی شد. (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷: ۲۳۲ - ۲۳۱)

پس از کودتا، عبدالکریم قاسم شورایی مرکب از سه نفر برای اداره امور کشور تشکیل داد و خود مقام ریاست شورا و در عین حال مقام نخست‌وزیری و وزارت دفاع را بر عهده گرفت. قاسم در میان رقابت‌های گروه قدرتمند عراق، پان‌عربیست‌های طرفدار ناصر، کمونیست‌ها و ناسیونالیست‌ها گرفتار شد. (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷: ۲۳۴)

۱ - اشاره به اتحاد اردن و عراق در ۱۹۵۸ م. تحت عنوان: «اتحادیه عرب» در مقابل اتحاد مصر و سوریه تحت عنوان «جمهوری متحده عربی» دارد.

۱۵۶ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

قاسم سرانجام در زیر فشار پان‌عرب‌ها که وی را به بازیچه غرب بودن متهم می‌کردند و کمونیست‌ها که همیشه مخالف اتحاد با غرب بودند، به طور رسمی در ۴ فروردین ۱۳۳۸ ش. / ۲۵ مارس ۱۹۵۹ م. از پیمان بغداد کناره‌گیری کرد. قاسم در توجیه مسأله خروج عراق از پیمان بغداد اظهار داشت: «از آنجا که ماهیت نظامی پیمان بغداد با بی‌طرفی عراق مغایرت دارد، عراق از پیمان کناره‌گیری می‌کند». (دهنوی، ۱۳۸۳: ۴۸)

به دنبال این تحولات، نام پیمان بغداد مورد مذاکره اعضا قرار گرفت. در ابتدا نام پیمان جدید بغداد را «پیمان تشکیلات خاورمیانه (میتو)»^۱ قرار دادند؛ چراکه ترکیه با قرار دادن نام «پیمان آنکارا» مخالفت کرده بود. لذا معاونین نمایندگان پیمان، انجمنی را در آنکارا تشکیل دادند که نسبت به نام جدید پیمان در آن مذاکره و اتخاذ تصمیم کردند. (۴۶۸ - ۱۳۳۸ ش.)

سرانجام کشورهای عضو پیمان بغداد با تغییر مقرر پیمان به آنکارا، نام پیمان را «سازمان پیمان مرکزی»^۲ اعلام داشتند. بدین ترتیب پیمان بغداد جای خود را به پیمان سنتو داد. (مقصودی، ۱۳۸۵: ۱۶۲)

1- Middle East Treaty Organization

2- Central Treaty Organization

منابع و مأخذ

کتاب‌ها:

- آرامش، احمد (۱۳۶۹)، *خاطرات سیاسی*، به تصحیح: غلامحسین میرزا صالح، اصفهان: جی نشر.
- آوری، پیترو (۱۳۷۹)، *تاریخ معاصر ایران*، ج سوم؛ چاپ چهارم، ترجمه: محمد رفیع مهرآبادی، تهران: عطایی.
- اختریان، محمد (۱۳۷۵)، *نقش امیر عباس هویدا در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران*، تهران: علمی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴)، *روابط خارجی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷*، چ ششم، تهران: علمی.
- انصاری، عبدالحسین مسعود (۱۳۵۳)، *زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان*، ج پنجم، تهران: ابن سینا.
- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، (۱۳۸۶)، کتاب اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- بوسنوی، برمکیان، «پیمان بغداد»، در: *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، ج دوازدهم، تهران: انتشارات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- بیل، جیمز (۱۳۷۱)، *عقاب و شیر (تراژدی روابط ایران و آمریکا)*، ترجمه: مهوش غلامی، تهران: کوبه.
- بکاری، علیرضا (۱۳۷۲)، *نواب صفوی سفیر سحر*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- بی‌نام، (۱۳۸۴)، *انقلاب اسلامی ایران*، تهران: معارف.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۵)، *ما و عراق*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- تفضلی، ابوالقاسم [بی‌تا]، *سرگذشتی پیش نوشته؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]*.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۶۷)، *بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- حسینیان، روح الله (۱۳۸۲)، *بیست سال تکاپوی اسلامی شیعی در ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۵۸ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

- درویشی سه‌تالنی، فرهاد (۱۳۸۶)، *مناسبات امنیتی - نظامی ایران و آمریکا*، تهران: معاونت تحقیق و پژوهش.
- روبین، باری (۱۳۶۴)، *جنگ قدرت‌ها در ایران*، ترجمه: محمود شرقی، تهران: آشتیان.
- شارل موژل، فرانسوا و سورین پاکتو (۱۳۷۷)، *تاریخ روابط بین‌الملل (۱۹۹۰-۱۸۱۵)*، ترجمه: علی بیگدلی و منصور رحمانی، تهران: عطا.
- علیزاده، حسین (۱۳۸۴)، *تاریخ روابط ایران و مصر*، تهران: وزارت امور خارجه.
- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹)، *فرهنگ علوم سیاسی*، ج دوم، تهران: ویس.
- فونتن، آندره (۱۳۶۹)، *تاریخ جنگ سرد*، ج دوم، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی تهران: نو.
- کامران مقدم، شهین دخت (۲۵۳۶)، *تاریخ کشورهای همجوار*، ج دوم، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- گازیورسکی، مارک ج. (۱۳۷۳)، *سیاست خارجی آمریکا و شاه*، چاپ دوم، ترجمه: جمشید زنگنه، تهران.
- گود، جیمز اف (۱۳۸۲)، *ایالات متحده و ایران و تأثیر مصدق بر روابط دو جانبه*، ترجمه: مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- لنچافسکی، ژرژ (۱۳۳۷)، *تاریخ خاورمیانه*، ترجمه: هادی جزایری، تهران: اقبال.
- لیاف، زهیر (۱۳۵۵)، *عراق و روابط آن با ایران از هزاره چهارم پیش از میلاد تا سال ۱۹۷۵*، تهران: اعلمی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷)، *مروری بر سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی یا تصمیم‌گیری در نظام تحت سلطه*، تهران: دادگستر و میزان.
- میرفندرسکی، احمد (۱۳۸۲)، *در همسایگی خرس*، تهران: علم.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، *تحولات سیاسی - اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)*، چاپ اول، تهران: روزنه.
- مقتدر، هوشنگ [بی‌تا]، *سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*، تهران: موسسه خدماتی مفرس.

ولیان، عبدالعظیم (۱۳۴۵)، تضادهای سیاسی آمریکا و شوروی در کشورهای عربی خاورمیانه پس از جنگ جهانی دوم ۱۹۴۵-۱۹۶۰، تهران: دانشگاه تهران.
هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۵)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۲۰-۱۳۵۷، چ سوم، تهران: البرز.

نشریات:

آذرنگ، عبدالحسین، «پیمان بغداد پیمانی بی ثمر و با پیامدهای ناگوار»، مجله علمی - پژوهشی تحقیقات اسلامی، سال دهم، شماره ۱ و ۲، صفحه ۲۲۸-۲۲۴.
احمدی، محمود طاهر، «پیمان بغداد و تأثیر آن بر روابط ایران و شوروی» فصلنامه گنجینه اسناد، ۱۳۸۵، سال شانزدهم، دفتر اول، شماره ۶۱، صفحه ۳۷-۳۶.
[بی‌نام]، «درباره علل انعقاد و پیوستن ایران به پیمان بغداد»، روزنامه سلام، ص ۹.
دهنوی، نظامعلی، «روابط سیاسی ایران و عراق در عصر حاکمیت عبدالکریم قاسم»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۳۸۳، سال پنجم، صص ۶۵-۴۸.
نوری، حسن، «ناکارآمدی پیمان‌های منطقه‌ای در دوران جنگ سرد»، روزنامه جام جم، ویژه تاریخ معاصر ایران، شماره ۳۰، ص ۲.

اسناد:

آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران - سال ۱۳۳۵ شمسی، سند ۵۳۹۴ و سال ۱۳۳۸ شمسی، سند ۴۹۶ و ۴۶۸.
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (بنیاد پژوهش‌های اسلامی)، سال ۱۳۳۶ شمسی، سند ۶۸۴۶۳/۹.
موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سال ۱۹۵۵ میلادی، اسناد ۳۶۹ و ۴۶۸ - ۷۳۲ - ۱۴۵ د.